

ایران؛ چهارمین کشور موفق تاریخ آکادمی اسکار



ایران با در صد موفقیت ۸.۹۶، چهارمین کشور موفق تاریخ آکادمی اسکار به شمار می‌رود.

جشن آکادمی اسکار، یکی از مهم‌ترین جشن‌های سینمایی است که به صورت سالانه برگزار می‌شود. در این جشن هر ساله به فیلم‌ها و سینماگران برتر جوایزی اهدا می‌شود. اعتبار این جشن سینمایی هفتاد ساله به قدری بالا است که بردن جایزه بهترین فیلم اسکار، به یکی از اهداف مهم بسیاری از سینماگران تبدیل شده است. بدون شک سینماگران ایرانی هم از قاعده مستثنی نبوده‌اند.

سینمای ایران برای اولین بار در سال ۱۹۹۷ به اسکار راه یافت و تاکنون ۲۳ بار در بخش جوایز اسکار نماینده داشته است. بیشتر این نامزدی‌ها نیز مربوط به بخش فیلم‌های غیر انگلیسی زبان بوده‌اند. سهم سینمای ایران از این بیست و سه نامزدی، دو بار بردن جایزه اسکار بوده است. اصغر فرهادی به نمایندگی از سینمای ایران دوبار و برای فیلم‌های «جدایی نادر از سیمین» در سال ۲۰۱۱ و «فروشنده» در سال ۲۰۱۶ برنده جایزه اسکار بهترین فیلم غیر انگلیسی زبان شده است. به این ترتیب سینمای ایران با ۲۳ نامزدی و دو اسکار، در صد موفقیت ۸.۹۶ را در اسکار دارد. این آمار به این معنی است که ایران پس از ایتالیا، فرانسه و روسیه، به صورت مشترک با چک اسلواکی چهارمین کشور موفق اسکار از حیث درصد موفقیت، یعنی نسبت تعداد حضور به کسب جایزه است. ■■■

یک تهیه‌کننده روایت کرد

«پولشویی بزرگ» در سینما و شبکه نمایش خانگی

سعید خانی تهیه‌کننده سینما درباره معضل ورود پول‌های کثیف به سینما می‌گوید: ورود این سرمایه‌ها و مهم نبودن بازگشت آن برای برخی تهیه‌کنندگان نشانه آن است که پول شویی بزرگی در جریان است و باعث بالا رفتن بی‌قاعده دستمزد بازیگران شده. او از رقم ۱۰ میلیارد تومان به عنوان هزینه تولید بعضی فیلم‌های سینمایی یاد کرده است.

خانی با اشاره به این که دستمزد ۲ بازیگر با هزینه تولید یک فیلم برابری می‌کند، گفت: متأسفانه این روزها کسانی پول وارد سینما می‌کنند که برای‌شان فرقی نمی‌کند این پول‌ها برگشت داشته باشد یا نه و این امر معادلات سینما را به هم می‌ریزد. به نظر می‌رسد یک پول‌شویی بزرگ در جریان است و در این میان افرادی که به راستی می‌خواهند فیلم بسازند نمی‌توانند کار کنند چون برخی، دستمزدهای عجیب و غریب به بازیگران می‌دهند.

او اضافه کرد: برخی از بازیگران برای این که یک نقش را در کنند قیمت دستمزد بالای می‌دهند ولی حتی در چنین شرایطی هم برخی از تهیه‌کنندگان قبول می‌کنند که آن دستمزد را پرداخت کنند و همین باعث می‌شود دستمزد یک بازیگر بی‌قاعده بالا برود و برای حضور در دیگر آثار هم دستمزدش را کاهش ندهد. چنین شرایطی باعث می‌شود سینمای ایران در سراسری قرار بگیرد و در چنین شرایطی وظیفه تهیه‌کنندگان است که وارد عمل شوند و جلوی این پول‌شویی را که به سینما راه پیدا کرده است، بگیرند. شوری عالی تهیه‌کنندگان باید این موضوع را بررسی کند که چرا بخش خصوصی برای تولید یک فیلم باید بالای ۱۰ میلیارد تومان خرج کند؟ مگر در سینمای ایران چند فیلم قابلیت این را دارند که بالای ۲۰ میلیارد تومان بفروشند؟

خانی در ادامه اضافه کرد: باید نظارت روی شبکه نمایش خانگی بیشتر شود زیرا در حال حاضر هر کسی یک شبکه می‌تواند در شبکه نمایش خانگی تهیه‌کننده شود. عده‌ای فقط برای سلفی گرفتن با بازیگران این پول‌های عجیب و غریب را صرف می‌کنند. امیدوارم شبکه نمایش خانگی هم مثل سینما دارای ضوابطی شود چون این شبکه با به هم ریختن رقم دستمزد بازیگران بیشترین صدمه را به سینما زده است.

تلاشی ناموفق برای نجات زنان

راهی که به ترکستان می‌رود

«جاده قدیم»، نقطه شروع خوبی است برای مطرح کردن مساله تعرض و تجاوز به زنان، به این که قانون در جای خودش، بنا به وظیفه، به دنبال مجرم هست، هم چنان که در فیلم هم دیده می‌شود. این که خانواده باید قربانی را ببیزد و واز او حمایت کنند، چون این اتفاق، بلا و مصیبتی است که ناخواسته و به زور بر او رفته است و زن، هیچ تقصیری در این اتفاق ندارد.



پلاتوی دوم:

مینو، زنی ۴۵ ساله؛ همسر، مادر و رئیس بانک است. او زنی است با شخصیت قوی و موثر هم در خانواده و مثلاً در برابر پدر بزرگ (پرویز پورحسینی) و هم در بانک در برابر مشتریانی که به هر نحوی، حتی با رشوه دادن، سعی در اغوا کردن او و گرفتن وام‌های میلیاردی دارند. او زنی است که در برابر هر فساد و عمل غیر اخلاقی می‌ایستد و در عین حال در تلاش است مشکلات اطرافیان خود را حل کند.

همین زن، شب عید، دیروقت، سوار ماشینی می‌شود تا به خانه برسد. همه در خانه منتظر او هستند تا پای سفره هفت‌سین، سال را نو کنند اما مینو به خانه نمی‌رسد. او که به هر حال زن خوش‌بر و رویی است، توسط راننده، دزدیده شده، به بیابان‌های اطراف جاده قدیم برده می‌شود، به او تعرض می‌شود و چون مقاومت می‌کند، به شدت آسیب می‌بیند و مجروح می‌شود.

از این‌جا به بعد، مینو، آن زن قوی و پر تحرک، ناپدید می‌شود. او نه می‌خواهد، نه می‌تواند و نه اجازه می‌دهد که مشککش حل شود. از همان ابتدا، با وجود تمام شواهد، مساله تجاوز و تعرض را انکار می‌کند. دچار فروپاشی می‌شود و خود را در اتاق، حبس می‌کند. او در

مردی که مساله را درک می‌کند، باید اصرار بیشتری برای بهبود او می‌کرد. نه فقط همسر که فرزندان و اطرافیان هم، واکنش خیلی جدی در این مورد نشان نمی‌دهند. انگار برای حکمت همین که نشان بدهد این بار زن قربانی، از سوی خانواده پذیرفته و نه طرد می‌شود، کافی است.

اما این پذیرش هم برای خودش ادابی دارد. ما به‌عنوان تماشاگر باید این آداب را ببینیم؛ چون این فیلم قرار است ما را از آن «جاده قدیم» تفکرات و قضاوت‌های سخت و رفتارهای طرد و حذف‌کننده نسبت به زن قربانی، بیرون بیاورد و وارد وادی جدیدی از تفکر و قضاوت کند. اما همین که ما را به سر دوراهی می‌رساند، رهای‌مان می‌کند.

در طول فیلم، این خود مینو است که با خودش درگیر است و ناگهان، گویی باامدادی غیبی از جای برمی‌خیزد و برای کمک به دیگران راهی می‌شود؛ جلوی خلاف‌کاری در بانک را می‌گیرد، جلوی سسقط جنین عروسش را می‌گیرد. انگار او فقط و باید به دیگران کمک کند و قرار نیست از کسی کمک بگیرد. حتی در نهایت، وقتی ماجرا را می‌پذیرد، این خود اوست که به مشاور مراجعه می‌کند.

آن‌هم در حالی که تا حدودی حالش بهتر شده و به راحتی می‌تواند در مورد ماجرای که بر سرش رفته است، حرف بزند. قاعده این است که چنین قربانی، وقتی دچار رنج و عذاب و فروپاشی است، مشاوره می‌رود که داستانش را برای مشاور تعریف کند؛ در مواقعی که احتمالاً به کمک کمتری نیاز دارد.

پلاتوی چهارم

منیژه حکمت، در پرداختن به مسائل زنان، همیشه جسور بوده است و نگاه خاص و ویژه‌ای دارد. فیلم «زندان زنان» شاید بهترین نمونه از کارهای او در این مورد است. این که «زن» هر جا و در هر مقامی که باشد، باید بسیاری مسائل ناخوشنوند آنرا تحمل کند. اما رویکرد «جاده قدیم» رویکردی نوآندیشانه‌تر است. این که خانواده زن قربانی، او را می‌پذیرند و می‌خواهند به او کمک کنند تا خودش را بیابد. اما فیلم با استفاده از چندین بازیگر مطرح، چندان خوش‌ساخت و تأثیرگذار از کار درنیامده است. صحنه‌های کابوس دیدن و حمام کردن و شستن، بیش از اندازه زیادند و حوصله

منیژه حکمت خواسته نشان بدهد که تجاوز، نه فقط به جسم یک زن آسیب می‌زند، بلکه روح و روان او را هم در هم می‌ریزد و موجب نوعی فروپاشی در او می‌شود. مینو حق دارد انکار کند

از بانک بیرون می‌زند و بعد ماجرای تعرض انتقال می‌افتد، در ایجاد تعلیق در مورد دست داشتن او در این ماجرا، چندان موفق نیست. که البته شاید اگر مقصر همان متقاضی وام بود، داستان بهتر پیش می‌رفت. هر چند، حکمت در روایت خود، اساساً کاری به مقصر ندارد، بلکه می‌خواهد تأثیر تجاوز و تعرض را روی قربانی و اطرافیان نشان دهد که در این مورد هم داستان چندان پرکشش نیست؛ شاید تماشاگر از این که همسر مینو، مساله را می‌پذیرد نوع نگاهش به این اتفاق، بسیار روشن‌فکرانه و دور از انتظار است، اما حتی در او هم حساسی در میمیک رفتار هایش نمی‌بینیم که هم نشان از تأثر مردی باشد که به هر حال به ناموسش، تعرض شده و هم زن را صفاقربانی، و نه گناهکار می‌داند. همسر مینو، به‌عنوان